

کتاب

برای اجرای اصل ۴۴ به دولت نهم ایراد نگیرید

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قانون می‌گوید: مجاز هستیید تا ۴۰ درصد شرکت‌ها و سهام را به نهادهای عمومی غیردولتی واگذار کنید یا به عبارت دیگر مجاز نیستید بیش از ۴۰ درصد به این نهادها واگذار کنید، پس در اینجا اجازه داده شده است. ضمن اینکه در قوانین بودجه این مسأله تکلیف می‌شود که مثلاً باید ۲۰ هزار میلیارد تومان بابت رد دیون به نهادهای غیردولتی اعطا شود. در واقع دولت به جای دیون خود، شرکت‌ها و بانک‌ها را واگذار کرده است که کاملاً قانونی و عقلانی می‌باشد. البته اشخاص در این زمینه در دو نقش بازی می‌کنند. به عنوان مثال در موقع قانون‌گذاری و نمایندگی مجلس، واگذاری سهام به این نهادها را تکلیف می‌کنند و در مناظره‌ها و تریبون‌ها از این واگذاری‌ها انتقاد می‌کنند و جالب است که ایراد را هم به مجری قانون یعنی قوه مجریه یا دولت نسبت می‌دهند، اما اگر قانون تکلیف کرده است که باید بابت رد دیون، واگذاری‌ها به نهادهای غیردولتی صورت پذیرد، پس چرا ایراد گرفته می‌شود.



بعد از اینکه آقای پروانی حرف‌های رئیس کمیسیون اقتصاد را شنید گفت: «من از نظر خودم منصرف شدم.» در این صورت اگر شخصی در شهری بخواهد شعبه‌ای از یک بانک را افتتاح کند یا وامی بگیرد یا... همه می‌خواهند از وزیر اقتصاد سؤال کنند و وزیر باید هر روز مجلس باشد. بعد از این حرف‌ها، آقای دانش جعفری گفت ما این قانون را به گونه‌ای تدوین می‌کنیم که رئیس مجمع وزیر اقتصاد باشد، اما نمایندگان حق سؤال از وی را در این خصوص نداشته باشند. طبیعتاً این خلاف قانون اساسی و ذائقه مجلس است و مجمع هم ضرورتی ندارد برخلاف حکم بین قانون اساسی چنین پیشنهادی را تصویب کند. به هر حال استدلال مخالفت‌های دکتر پروانی همان دلیل من بود که از بیان صریح آن خودداری کرده بودم



چه کسی برای سیف در بانک مرکزی حکم زده بود؟

حکم آقای سیف به عنوان رئیس کل بانک مرکزی در دولت روحانی صریح نیست و اگر شما به حکمی که درباره رئیس کل صادر شده دقت کنید متوجه نمی‌شوید این شخص را رئیس جمهور انتخاب کرده است یا وزیر اقتصاد!

اوصاف که شما می‌گویید این حکم قابل قبول نیست.

حتی اگر حکم را رئیس جمهور زده باشد، میهم است. چرا که قانون برنامه پنجم در این مورد مسکوت مانده است. قانون برنامه چهارم هم دوره‌اش به پایان رسیده است. لذا باید به قانون پولی و بانکی رجوع شود که طبق آن، این حکم باید با پیشنهاد وزیر اقتصاد باشد. البته این را هم اضافه کنم که به لحاظ پرستیژی رؤسای بانک مرکزی دوست دارند توسط رئیس جمهور منصوب شوند، حتی پیشنهاد وزیر اقتصاد را بر نمی‌تابند. خوب قبلاً در قانون پولی و بانکی وزیر اقتصاد، رئیس مجمع بانک مرکزی بود، اما حالا رئیس جمهور رئیس مجمع بانک مرکزی است. به هر حال عده‌ای این ایراد را به وجود آورده و امروز نمی‌توانند آن را برطرف کنند. البته مجمع تشخیص مصلحت نظام هم نتوانست مشکل را حل

مباحث گوناگونی در شماره‌های قبلی ایران اقتصادی از زبان سید شمس الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت‌های نهم و دهم منتشر شد، وی در مباحث مطرح شده در جلد نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران، برخی مسائل آن روزهای اقتصاد ایران از جمله نحوه انتخاب خود به عنوان وزیر اقتصاد و همچنین تعاملات وزارت اقتصاد با محمود احمدی نژاد و برخی موارد دیگر را تشریح کرده است. در شماره قبل نیز مباحثی درباره انحلال سازمان مدیریت کرد و در این شماره هم صحبت‌هایی درباره مشکلات مربوط به نحوه انتخاب رئیس کل بانک مرکزی مطرح کرده است.

می‌کنند، می‌گویند اول استقلال در هدف یا استقلال در ابزار؛ که استقلال ابزار مورد وفاق است. دوم اینکه استقلال همراه با پاسخگویی است و سوم استقلال به لحاظ تخصصی و حرفه‌ای است. در قانون برنامه پنجم، شورای پول و اعتبار مانند قبل بوده و تکلیفش مشخص است. اما در مجمع بانک مرکزی در حوزه انتخاب رئیس کل ابهاماتی وجود دارد. همین الان که حدود چند سال از مدیریت دولت

حکم را فکرمی‌کنم
رئیس جمهور زده است. اما با این

کتاب

کند. آنها نظر مجلس را تأیید کردند، دکتر احمدی نژاد به رهبری نامه نوشت و لذا مصوبه مجمع هم پذیرفته نشد. خاطرم هست وقتی این موضوع دوباره داشت در مجمع مطرح می‌شد، آقای احمدی نژاد من را صدا کرد و گفت: «وقتی این موضوع در مجمع تشخیص مطرح می‌شود شما حتماً شرکت کن و اگر نظرت این است که وزیر اقتصاد، رئیس مجمع بانک مرکزی نمی‌تواند مخالفتی ندارم.» من هم به ایشان گفتم: موافق نیستم. چون برخی از این افراد به دنبال استقلال بانک مرکزی نیستند. اتفاقاً چون از رئیس کل بانک مرکزی نمی‌توانند سؤال کنند می‌خواهند از وزیر اقتصاد سؤال کنند. حاضر هم نیستند اختیارات لازم را به وزیر اقتصاد بدهند. یعنی می‌گویند بانک مرکزی باید مستقل شود، اما وزیر اقتصاد پاسخگو باشد. به هر حال دوباره تصریح می‌کنم قانون برنامه حوصله و ظرفیت چنین بحث‌هایی را ندارد، بلکه می‌تواند جهت‌گیری‌های کلی را تعیین کرده و بگوید که قانون پولی - بانکی در این چهارچوب باید اصلاح شود. در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام، بنده و آقای بهمنی حاضر بودیم که این مسأله مطرح شد. این را هم بگویم، من قبل از اینکه وزیر اقتصاد شوم روی موضوع استقلال بانک مرکزی کار کرده بودم و نگاهم در مورد بانک مرکزی را در مقاله‌ای نوشته بودم. بنده در آن جلسه به عنوان نماینده دولت، با این ترتیب که رئیس کل بانک مرکزی توسط وزیر اقتصاد انتخاب شود مخالفت کردم. یادم هست در آن جلسه حتی سابقه حقوقی موضوع را که از زمان تصویب قانون پولی و بانکی استخراج کرده بودم ارائه دادم. همین